

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

حزب کار ایران (توفان)

۱۶ جولای ۲۰۲۲

گسترش پیمان تجاوزکار ناتو به خاورمیانه با ماهیت عبری، عربی، غربی

سخن بر سر پیمان تجاوزکارانه ایست که دولت صهیونیستی اسرائیل قصد دارد به یاری امریکا و شرکت ۷ کشور عربی در منطقه خاورمیانه منعقد کند. این پیمان باید سنگ بنای قرارداد ابراهیم را که با یاری دونالد ترامپ در زمان ریاست جمهوری اش بنیان گذاری شد، به گفته جو بایدن رئیس جمهور کنونی امریکا تکمیل کرده و قبول اسرائیل در جمع کشورهای منطقه خاورمیانه را تعمیق نماید. در یک کلام پس از گسترش ناتو به سمت شرق حال از اروپا به سوی خاورمیانه می آید.

همانگونه که گسترش ناتو در اروپا تجاوزکارانه و جنگ طلبانه و در خدمت سیاست کنسرن های تسلیحاتی در درجه اول امریکا و سپس اروپاست، در خاورمیانه نیز چنین ماهیتی دارد. امریکا می خواهد با ایجاد این پیمان نظامی و امنیتی در منطقه نقش اسرائیل را افزایش دهد، کارخانه های تسلیحاتی اسرائیل را تقویت نماید و کنترل امنیت ممالک عربی ایران هراس را بر عهده اسرائیل بگذارد. ایران هراسی جزئی از سیاست امپریالیسم و صهیونیسم در منطقه است و در جهان به سیاست اسلام ستیزی متوسل می شوند که مکمل سیاست تجاوزکارانه ناتوست.

سیاست ناتوی جدید پیشنهادی امریکا که حتی تلاش دارند ترکیه را نیز وارد آن کنند و ناتوی اروپایی را به ناتوی عبری- عربی- غربی بچسبانند، با هدف تسلط بر ایران، کنترل منافع اسرائیل، نظارت بر منابع سوخت جهان و رقابت با چین و روسیه و خفه کردن آنهاست.

خاورمیانه همواره مرکز تولد پیمان های مرده بوده است. در گذشته چنین بوده و امروز هم همانگونه خواهد بود. دلایل آن را باید در تناقضات میان ممالک عربی و تضاد میان خلق های عرب با ارتجاع عرب و صهیونیسم جستجو کرد. بارها از این پیمان ها زاده شدند و سرزرا رفتند. هم اکنون چندین نمونه از این پیمان های نظامی و امنیتی وجود دارند که بی بو و خاصیت اند. عربستان سعودی و مصر در پی رقابت بر سر رهبری جهان عرب اند. امارات متحده عربی حاضر نیست به رهبری عربستان سعودی گردن نهد و وهابیسیم را بپذیرد. قطر با ایران منافع استراتژیک مشترک دارد و با عربستان سعودی که به تمامیت ارضی کشورش چشم داشته و با حمایت آنها از اخوان المسلمین موافق نیست، آتش در یک جوی نمی رود. کشورهای کویت، عمان که روابط حسنه ای با ایران دارند بر حسن همجواری تکیه می کنند و از تنش افزائی با ایران گریزانند. کشورهای عربی عراق، سوریه، الجزایر و یمن به این پیمان گردن نمی نهند و برضد آن مبارزه خواهند کرد. همکاری اسرائیل با این کشورها برای فروش تسلیحات خود، محاصره ایران و استفاده از اعراب

برای مقاصد صهیونیستی خویش است که با مخالفت همه ملت‌های عرب روبروست. نزدیکی خلیفه بحرین با اسرائیل به معنی نزدیکی مردم بحرین که هر آن مترصد سرنگونی خلیفه مرتجع بحرین و نزدیکی با ایران هستند، نیست. پاهای این پیمان ضد‌مردمی مورد نفرت اعراب، چوبین می‌باشد. همه ملل عرب و حتی ملل جهان می‌دانند که این پیمان مرده به دنیا می‌آید و مورد نفرت جنبش آزادی‌بخش مردم فلسطین است. دولت جو بایدن از روی استیصال، در سفرش به خاورمیانه، در نیمه ماه ژوئیه به این صحنه‌سازی برای حل مشکلات داخلی خود نیاز دارد که کار مهم و «مثبتی» در ترازنامه فعالیت‌های ورشکسته خارجی خود وارد کند تا در انتخابات پیش‌روی کنگره امریکا اکثریت خویش را از دست ندهد. ضعف بایدن روشن است زیرا باید با قائل خاشقچی که وی را تکفیر کرده بود سرافکنده دست دهد و در رفتار خود نسبت به وی علی‌رغم نفرت کنگره امریکا از او، حقیرانه تجدید نظر نماید. این سبک کار امریکا بی‌اعتباری و پوچی تمام حرف‌ها و ادعاهای آنها را برای جهانیان به نمایش می‌گذارد. سیاست نان به نرخ روز خوردن حتی اگر این نان مملو از کپک باشد.

همگان بر این باورند که این پیمان یا مرده به دنیا می‌آید و یا در شرف مرگ زود هنگام است.

امریکا می‌خواهد از بار حمایت ناتو و اروپا که به نیروی آنها در اروپا احتیاج دارد در منطقه خاورمیانه بکاهد و بخشی از حمایت از اسرائیل و برطرف کردن «خطر» از این کشور را بر دوش اعراب بیاندازد تا هزینه این اقدامات را با دالره‌های نفتی بپردازند. این اتحاد اعراب سازشکار برای مهار جنبش فلسطین و سرکوب آنها نیز هست. قدرت گرفتن ایران در منطقه علی‌رغم خرابکاری و ظن‌فروشان داخلی و خارجی و همه کسانی که خواهان تسلیم بلاشرط ایران در برجام هستند و برای خلع سلاح ایران از ارتش امریکا جلو زده‌اند، خاری به چشم ارتجاع منطقه است که با ایجاد تنش و رخنه‌گری صهیونیسم و تبلیغات ایران‌هراسانه آهنگ آن دارند که این ناتوی عبری-عربی-غربی را مجلس‌پسند کنند. بنی گانتس، وزیر دفاع اسرائیل سه‌شنبه ۲۴ خرداد در جریان مراسم اعطای جایزه موسوم به «امنیت اسرائیل» برای سال ۲۰۲۲ رسماً خواستار تشکیل یک ائتلاف نظامی-دفاعی-امنیتی منطقه‌ای علیه ایران به رهبری امریکا شد که کشورهای عربی همسو با واشنگتن را نیز دربر می‌گیرد. این در حالی است که پیش از آن اسرائیل سامانه‌های راداری خود را در بحرین و امارات نصب کرد. مضافاً گانتس عنوان داشت که اسرائیل به همراه شماری از کشورهای منطقه در حال تشکیل یک ائتلاف دفاع هوایی با حمایت امریکا در خاورمیانه است. ضمن این که اعضای دموکرات و جمهوری‌خواه سنا و مجلس نمایندگان از طرحی رونمایی کردند که هدف آن یکپارچه‌سازی سیستم‌های پدافند هوایی کشورهای خاورمیانه و اسرائیل برای مقابله با «تهدید هسته‌ای، راکتی و پهپادی ایران» است.

این تلاش‌ها از جمله هراس از قدرت ایران است که توانسته با تکیه به دانش دانشمندان ایرانی به راکت و پهپادهای پیشرفته دست یابد، صنایع پدافندی خویش را مدرن کرده و گسترش دهد به طوری که امریکا هم از این قدرت نظامی در هراس است. امروز بدون قدرت نظامی که پشتوانه سیاست خارجی ایران، حفظ تمامیت ارضی و حق حاکمیت و منافع ملی ایران است، امکان ادامه بقاء در میان عفریت‌هایی نظیر امریکا، اروپا، اسرائیل و ارتجاع منطقه وجود ندارد. تقویت قوای نظامی ایران شرط بقاء ایران است و فقط ایران‌فروشان خواهان خلع سلاح ایران در برجام هستند.

این سیاست امریکا پیشینه‌دار است. امپریالیسم امریکا در گذشته نیز با ایجاد پیمان بغداد در زمان عراق سلطنتی و سپس پیمان «سنتو» که متشکل از ترکیه، ایران و پاکستان بود، پیمان تجاوزکار آتلانتیک شمالی (ناتو) را به پیمان «سیتو» که شامل پاکستان، امریکا، استرالیا، بریتانیا، تایلند، فرانسه، فیلیپین و نیوزیلند بود برای محاصره شوروی و چین توده‌ای متصل کرده بود. انقلاب ایران تیر خلاصی به این پیمان بود و بند «سنتو» را از «سیتو» گسست و این حلقه محاصره را درهم شکست. فروپاشی شوروی، ضعف روسیه، گسترش ناتو به سمت شرق و تسلیح اقمار سابق شوروی

و سرانجام سیاست تسلیح ممالک سابق فدراسیون شوروی و ایجاد تنش و فضای جنگ و بربریت در جهان، یکی از مولفه‌هایی بود که چهره جهان را به نفع ابرقدرت یکه‌تاز امریکا تغییر داد. با ورود چین به بازار جهانی و قدرت گرفتن آنها و با تجدید قوای روسیه در تحت رهبری پوتین، با ایجاد اتحادیه «بریکس» و حمله به امپراتوری دالر، دنیای اوروآسیا شکل گرفت و این ممالک که در بستر جاده ابریشم به تقویت و حمایت متقابل نیاز دارند، امروز به قطبی قدرتمند و غیردالری در جهان بدل می‌شوند که با دور زدن سازوکار مالی سوئیت و دالر کمر امپراتوری و قدرت امریکا را می‌شکنند. دنیا به سمت نظم نوینی در جهان که یک نظم چندقطبی است در حرکت است و یک مامور انتظارات به نام یانکی نمی‌تواند برخلاف اراده ملت‌ها نظم مورد نظر خود را مستقر سازد. کشورهای جهان که تضعیف امریکا و عروج چین، روسیه، هند و سایر ممالک را می‌بینند از هم اکنون برای دنیای بعد از قدرقدرتی امریکا حساب‌های جدید باز می‌کنند. بهانه مبارزه با کمونیسم دیگر رنگی ندارد زیرا روسیه نیز ماهیتا با امریکا فرقی نداشته و سرمایه‌داری امپریالیستی است. تکیه بر این امتیاز تبلیغاتی سابق امریکا امروز رنگ باخته است.

امروز نهر بزرگ تغییرات جهان آینده در این جهت جاری است و هر کس قایق خود را به این نهر نیفکند در خشکسالی تشنه لب خواهد مرد. دسته‌بندی‌های جهانی در حال شکل گرفتن است و بلوک اوروآسیا استخوان‌بندی اساسی خویش را یافته است. ایران در این بخش از جهان به کوری چشم ایران‌فروشان، نقش ایفاء می‌کند و سیاست محاصره امپریالیستی که در گذشته مورد استفاده ناتو بود، امروز باید با نیت محاصره اوروآسیا اجراء شود و ایران بخشی از هدف این محاصره است. تلاش امریکا برای این که ممالک عربی را به رهبری اسرائیل به حلقه‌ای از زنجیر محاصره اوروآسیا کشانده و آنها را از این رستاخیز ممالک آسیا دور نگهدارد مسلما با شکست روبرو خواهد شد. این بار ایران تنها نیست و پیمان ناتوی عبری-عربی-غربی با قدرت «بریکس» روبروست. پیدایش این پیمان مرده را باید از این منظر جهانی و اقتضای شرایط کنونی جهانی مورد ارزیابی قرار داد که حتی از این منظر نیز این پیمان مرده است.

در گذشته امپریالیسم بریتانیا برای حفظ سلطه جهانی خویش سیاست ژئوپلیتیک خویش را در آن می‌دید که در خاورمیانه به تضعیف کشورها پردازد، تفرقه و تجزیه را در میان آنها دامن زند تا این ممالک ضعیف نتوانند موی دماغ این استعمارگر در غارت هندوستان که انبار ثروت بریتانیا بود بشوند. دامن زدن به تفرقه، علم کردن شیخ خزعل‌ها در دوران قاجار بخشی از این سیاست راهبردی بود. با پیروزی انقلاب کبیر و دوران‌ساز اکبر و سرنگونی تزاریس روس، بریتانیا در وضعیت تحول‌یافته جهان، به ایران متحد برای ممانعت از نفوذ کمونیسم و رخنه آنها به هندوستان نیاز داشت. ایجاد وحدت ایران، سرکوب ایلات و عشایر، یاغیان، گردنکشان، شیخ خزعل‌ها و به ویژه جنبش‌های دموکراتیک و انقلابی نظیر جنبش جنگل، محمد تقی خان پسیان، لاهوتی در دستور کار انگلستان قرار گرفت و فرد مورد اعتماد و شایسته برای این کار رضاخان میرپنج بود که با توصیه ژنرال آبرونساید انگلیسی عهده‌دار این وظیفه شد. سیاست رضاخان در آن دوران اجرای بی‌برو برگرد سیاست راهبردی انگلستان در ایران بود که حتی منجر به بذل و بخشش خاک ایران به همسایگان از جمله منطقه فرسو در مرز نخجوان به ترکیه شد تا «امنیت و یکپارچگی» ایران حفظ شود. با فروپاشی شوروی، سربر آوردن چین، پیدایش «بریکس» و اوروآسیا، ایران قدرتمند و یکپارچه خار چشم امپریالیسم و صهیونیسم در این منطقه است. بریتانیا حال به سیاست سابق خود یعنی به شرایط قبل از جنگ جهانی اول برمی‌گردد. تمام تلاش ارتجاع منطقه و قدرت‌های استعماری جهان از امریکا گرفته تا اروپا و استرالیا و نوکران منطقه‌ای آنها در این است که ایران را تجزیه کنند، به اختلافات قومی دامن بزنند، در پی تلاشی ایران باشند، برجام را به ایران تحمیل کنند، ایران را خلع سلاح نمایند، از نفوذ ایران در سوریه، لبنان، عراق، یمن، افغانستان، آسیای میانه و

امریکای لاتین جلوگیری از ایران مضمحل شود. این سیاست کنونی امپریالیسم در مورد ایران است و در متن سیاست عمومی آنها در مقابل رشد جهان چندقطبی می‌گنجد.

امپریالیسم در ایران نیز متحدانی دارد که در اطاق بازرگانی، بانک‌های خصوصی و دولتی، مراکز اقتصادی و سیاسی در دانشگاه‌ها و اندیشکده‌های رنگارنگ، در شبکه‌های اجتماعی پنهان شده‌اند. این متحدان از حامیان سرسخت اجرای سیاست‌های ریاضتی و نئولیبرالی، خلع سلاح ایران، کنار آمدن با اسرائیل و آمریکا و... در ایران‌اند تا نارضایتی عمومی را تشدید کنند، استثماری را افزایش دهند با سیاست احتکار، گرسنگی و فقر ایجاد کنند، به دزدی و راهزنی بپردازند، اختلاس نمایند، دستگاه‌های دولتی را از آقازاده‌های مفت‌خور پر کنند، رشوه‌خواری را رواج دهند، حقوق کارگران را چپاول کنند، به زنان توهین نموده آنها را تحقیر نمایند تا ارتش ناتو در درون ایران نیز پا بگیرد و قدرتمند شود. آنها از درون نیز در پی نابودی ایران هستند و حداقل بخشی از حاکمیت ایران با آنها همخوانی دارد. عمال ایرانی آمریکا با بی‌شرمی از حقوق مشروع اسرائیل و آمریکا در ایران سخن می‌رانند. خانواده منفور و مافیای رفسنجانی، «سردار سازندگی» که همان سردار ساخت و پاخت با غرب است، سرکرده و زبان این خط است. آنها در برباد دادن بخت‌های ایران در بعد از انقلاب نقش مخربی بازی کرده، مسئول قتل‌های زنجیره‌ای بوده، مسئول ترورهای خارج از کشور و مامور اجرای سیاست‌های بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول در لباس سیاست‌های تعدیلی و نئولیبرالی در ایران بوده‌اند. مبارزه با این ناتوی داخلی به مراتب خطرناک‌تر و سخت‌تر است. هاله‌ای از اصلاح‌طلبان که در تمام این مدت در حکومت قرار داشته و بانی فاجعه کنونی و دشمنی ایران با همسایگان خود در افغانستان، ترکمنستان، آذربایجان، چین، روسیه و... هستند به حول این خانواده مافیایی حلقه حفاظتی کشیده‌اند. مبارزه با ناتوی عبری-عربی-غربی را باید با ناتوی داخلی مافیای رفسنجانی و متحدانش هماهنگ ساخت. حکومتی که در پی استحکام دژ محصور ایران در مقابله با دشمنان خارجی باشد و از دشمنان بیرحم و جان‌سخت داخلی غافل گردد، زمانی به خود خواهد آمد که ایران‌فروشان کشور را از درون متلاشی ساخته و دروازه‌های کشور را به روی کشورهای متخاصم گشوده‌اند. در شرایط کنونی جهان که گذار از مرحله یک قطبی به چند قطبی در جریان است مبارزه سخت‌تر گشته، تضادها تشدید شده و دشمنان ایران به بیرحمانه‌ترین ابزار برای فرجام خیانت ملی توسل می‌جویند و این مدتی است که آغاز شده است.

www.toufan.org